

تحليل ازدواجية إتجاه المشرع في رفض الإقرارات التي توجب حد «الرجم» و«القتل» من وجهة نظر فقه المذاهب الإسلامي

ما شاء الله كريمي*

عبد الصمد علي آبادي**

[تاريخ الاستلام ١٤٠١/٠٤/١٠ تاريخ القبول ١٤٠١/٠٥/٢٥ هـ ش]

ملخص القول

القاعدة الخلاف الأصل التأثير على رفض الإقرار ببعض الجرائم التي لها الحد، في أحكام الفقه الإسلامي جارية على أساس إحتياط الكامل من المشرع في دماء المسلمين وتنفيذ التخفيض ومنع الحد الناجم عن الشبهة، التي اتبعها المشرع بعد إنتصار الثورة الإسلامية. وفي هذا الصدد، فإن عدم تلاؤم وجهة نظر المشرع مع أهداف الشريعة وعدم تطابق استراتيجيته في التشريع وتحديد رد الفعل ازدواجية العقوبات على الجرائم الحديثة المنصوص عليها في المادة ١٧٣ من قانون الجزاء الإسلامي، هي مسألة تحتاج إلى التحليل حتى الوصول إلى إجابة مناسبة. وبناءً على ذلك، يهدف البحث الحالي في ضوء وصف وتحليل مفردات الفقه الإسلامي وتجميع المعلومات المكتوبة إلى تبين عدم امكانية تبرير منهج المشرع في تحديد العقوبات الثنائية للجرائم الحديثة التي توجب «الرجم» و«القتل» في هذه المادة. وبالنسبة، لا بد من تصحيح النهج غير المتناسق للإستراتيجية التشريعية المشرع في صدد رفض الإقرار بجرائم الحديثة المؤدية إلى الرجم والقتل، من حيث تحديد العقوبات المزدوجة ويكون لها نفس رد الفعل بناء على آراء الفقه الإسلامي وفي شكل تحديد العقوبات التعزيرية لكل نوع من أنواع الجرائم المذكورة وتحديدها في المادة المشار إليها.

كلمات مفتاحية: الإقرار، الرفض، حد الرجم، حد القتل، الفقه الإسلامي.

* الأستاذ المساعد في قسم الفقه والقانون، جامعة آية الله بروجردي، بروجرد، إيران (الكاتب المسؤول).

** الأستاذ المساعد في قسم الفقه والقانون، جامعة المذاهب الإسلامية، طهران، إيران.

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقراریر موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی

ماشاءالله کریمی*

عبدالصمد علی‌آبادی**

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵]

چکیده

قاعده خلاف اصل اثربخشی به انکار اقرار برخی جرائم حدی، در آموزه‌های فقه اسلامی، بر پایه احتیاط تام شارع در خون مسلمانان، اعمال تخفیف و دفع حد ناشی از شبهه استوار است، که قانون‌گذار پس از پیروزی انقلاب اسلامی از این قاعده پیروی کرده است. در این راستا همسوی نبودن دیدگاه قانون‌گذار با مقاصد شرعی و یکسان نبودن سیاست‌گذاری ایشان در تقنین و تعیین واکنش کیفرهای دوگانه به جرائم حدی مذکور در ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی، مسئله‌ای است که نیازمند واکاوی تا مرحله پاسخی در خور است. بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد است در پرتو توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه اسلامی و با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای، قابل‌دفاع نبودن رویکرد قانون‌گذار در تعیین کیفرهای دوگانه برای جرائم حدی موجب «رجم» و «قتل» در این ماده را روشن کند. نتیجه آنکه، ضرورت دارد رویکرد ناهماهنگ سیاست تقنینی قانون‌گذار در راستای اثربخشی به انکار اقرار به جرائم حدی موجب رجم و قتل، از حیث تعیین کیفرهای دوگانه اصلاح شود و واکنش یکسانی بر پایه آرای فقه اسلامی، در قالب تعیین مجازات‌های تعزیری برای هر دسته از جرائم یادشده در ماده مذکور تعیین گردد.

کلیدواژه‌ها: اقرار، انکار، حد رجم، حد قتل، فقه اسلامی.

* استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول) karimi@abru.ac.ir

** استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران a.aliabadi@mazaheb.ac.ir

مقدمه

برای اقناع وجدان دادرس در فرآیند دادرسی کیفری، مهم‌ترین و مطمئن‌ترین دلیل، اقرار است تا بر پایه این دلیل، وی حکم به محکومیت بزهکار دهد. بر این اساس، اصل کلی در تأثیر اقرار به جرائم، انکارناپذیر بودن آن است، مگر آنکه اعتبار و ارزش حقوقی‌اش به موجب فساد، اشتباه و معاذیر پذیرفتنی از بین برود. در این راستا، شارع مقدس، بنا بر مصالح عقلی و شرعی، استثنائاتی بر انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل» وارد کرده است. قانون‌گذار نیز پس از پیروزی انقلاب، از این رویکرد پیروی کرده و استثنائات شرعی وارد شده بر اصل کلی انکارناپذیری اقرار به جرائم را وارد نظام کیفری ایران کرده است. در این زمینه نکته در خور توجه، دوگانگی موجود در رویکرد قانون‌گذار به اثربخشی انکار اقرار به جرائم حدی موجب «رجم» و «قتل» در ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی است، به گونه‌ای که قانون‌گذار در این ماده برای انکار اقرار موجب «رجم»، شلاق حدی، و برای انکار اقرار موجب «حد قتل»، حبس تعزیری درجه پنج را به عنوان واکنش، تعیین کرده است. بر این اساس، ضروری است در پرتو آرای فقه اسلامی، دوگانگی رویکرد دفاع‌ناپذیر قانون‌گذار در این ماده، واکاوی شود. از این رو، نوشتار حاضر در صدد است با بررسی و ارزیابی هر یک از دیدگاه‌های فقه اسلامی و قانون‌گذار کیفری درباره انکار اقرار موجب «رجم» و «قتل»، نظریه‌ای صائب در این زمینه مطرح کند.

پیش‌تر پژوهش‌هایی درباره انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل» انجام شده، از جمله توکلی‌نیا (۱۳۹۵) با بررسی دیدگاه فقه اسلامی عامه و امامیه و مستنداتشان درباره چگونگی تعیین واکنش برای حد ساقط‌شده رجیم و قتل، رویکرد تقنینی قانون‌گذار، به‌ویژه ماده ۱۷۳ قانون یادشده، را با ذکر ویژگی‌هایی برای این ماده تشریح کرده است؛ اکرمی (۱۴۰۰) ضمن واکاوی نگرش فقهی درباره آثار رجوع از اقرار و بازتاب آن در حقوق کشورهای مسلمان، رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به این مسئله، بر اساس مبانی فقه امامیه کاویده است تا تعیین حد جلد و حبس تعزیری را برای متهمانی که در جرائم حدی موجب رجیم و قتل از اقرار خود برمی‌گردند، از یک سو و تسری‌ندادن اثر رجوع از اقرار به سرقت موجب حد را از سوی دیگر

توجیه‌ناپذیر بخواند؛ دانش‌نهاد و بهمن‌پوری (۱۳۹۹) نیز با تشریح نقش انکار در امور کیفری، قوت و ضعف‌های ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی را بیان کرده‌اند و الحاق قتل به رجم در اثربخشی به انکار را نقطه قوت این ماده قانونی و تفکیک‌نکردن میان حد سرقت با دیگر حدود را ضعف آن برشمرده‌اند و گفته‌اند باید حکمی متمایز از حدود جلدی برایش لحاظ شود و در برخی امور همچون تأثیر انکار در اسقاط حد، ملحق به حد رجم و قتل گردد.

نوشتار حاضر از این جهت متمایز از پژوهش‌های پیشین است که به طور ویژه رویکرد دوگانه قانون‌گذار در اثربخشی به انکار اقراریه موجب حد «رجم» و «قتل» را در پرتو آرای فقه اسلامی می‌کاود و با تحسین رویکرد قانون‌گذار از حیث تشریع، یعنی الحاق جرائم حدی موجب قتل به جرائم موجب رجم، رویکرد او را از حیث تعیین واکنش‌های دوگانه، یعنی شلاق حدی به جای رجم و حبس تعزیری درجه پنج به جای قتل، به عنوان جایگزین‌های مجازات‌های حدی ساقط‌شده تحلیل و نقد می‌کند و در صدد است با تبیین آشفتگی تقنینی، قانون‌گذار را به یکسان‌سازی رویکرد خود در قبال انکار اقراریه موجب «رجم» و «قتل»، یعنی تعزیری کردن واکنش‌های جایگزین حدود ساقط‌شده، دلالت کند.

۱. واکاوی آرای فقه اسلامی درباره تأثیر انکار اقراریه به زنای موجب حد «رجم» و «قتل»

در این زمینه دیدگاه غالب مذاهب اهل سنت بر آن است که برخلاف حق‌الناس، رجوع مرتکب از اقرار به جرائم حدی مانند زنا، شرب خمر و ...، به استناد حدیث پیامبر اکرم (ص) مبنی بر دفع حدود با پیدایش شبهه (قاعده درء)، پذیرفته می‌شود و موجب رهایی او از اعمال مجازات می‌گردد (سید سابق، ۱۳۹۱: ۴۲۳/۳؛ عوده، بی‌تا: ۳۱۴/۲). با این همه برخی از مذاهب یادشده، چگونگی تأثیر رجوع از اقرار را به طور مشروط پذیرفته‌اند. اما ظاهریه و برخی دیگر همچون حسن بصری، ابن‌ابی‌لیلی، سعید بن جبیر و عثمان البتی، رجوع مرتکب از اقرار را به استناد اصل بی‌تأثیری انکار پس از اقرار نپذیرفته و به اقامه حد بر منکر اقرار در کلیه حدود قائل‌اند (سید سابق، ۱۳۹۱: ۴۲۳/۳؛

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی / ۵۵

ابن‌قدامة، بی‌تا: ۱۷۳/۱۰؛ جزیری، ۱۴۲۴: ۸۱/۵). اما از نظر مشهور فقهای امامیه، بنا بر قاعده کلی، انکار پس از اقرار نه‌تنها در حق‌الناس، بلکه در حقوق عمومی و حق‌الله محض، مانند حدود نیز، بی‌تأثیر است و موجب سقوط مجازات نمی‌شود. با این همه، استثنائات واردشده از سوی شارع، در انکار اقرار به جرائم حدی موجب «رجم» و «قتل» را با اختلاف در چگونگی تأثیر انکار، پذیرفته‌اند. بر این اساس، از مجموع آرای فقه اسلامی، درباره چگونگی تأثیر انکار اقرار به هر یک از جرائم موجب «رجم» و «قتل» چند دیدگاه متفاوت به دست می‌آید که در ادامه، نخست دیدگاه‌ها درباره انکار اقرار موجب «رجم» و سپس «قتل»، همراه با مستنداتشان بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. دیدگاه‌های موجود درباره انکار اقرار موجب رجم

در این زمینه سه دیدگاه اساسی به شرح زیر مطرح شده است:

۱. ۱. ۱. رهاکردن منکر اقرار به رجم، بدون اعمال مجازات

الف. بیان دیدگاه: دیدگاه غالب شافعیه، حنفیه و حنبلیه بر آن است که رجوع اقرارکننده از اقرارش در تمام حدود حق‌الاهی محض، مانند زنای موجب جلد، رجم، به دلیل احتمال صداقت انکارکننده و در نتیجه حدوث شبهه دفع‌کننده حد، مستند به روایت ماعز، در هر مرحله از فرآیند دادرسی تا اجرای حکم، حدود یادشده را ساقط می‌کند (نووی، بی‌تا: ۳۰۲/۲۰-۳۰۳؛ بصری، ۱۴۱۴: ۲۱۲/۱۳؛ ابن‌نجیم مصری، ۱۴۱۸: ۱۲/۵؛ حدادی، ۱۳۲۲: ۲۹/۱؛ ابن‌قدامة مقدسی جماعیلی، بی‌تا: ۲۹۹/۵؛ ابن‌قدامة، بی‌تا: ۱۷۳-۴/۱۰؛ حجاوی مقدسی، بی‌تا: ۴۶۹/۴؛ ابن‌قدامة مقدسی، ۱۴۰۵: ۲۸۸/۵). اما از دیدگاه غالب مالکیه، انکار اقرار در جمیع حق‌الله، از جمله حد جلد و رجم، در صورتی مسقط حدود یادشده است که همراه با شبهه باشد، در غیر این صورت، بازگشت از اقرار بدون وجود شبهه، مسقط حد نخواهد بود (قرافی مالکی، ۱۹۹۴: ۵۹/۱۲؛ جزیری، ۱۴۲۴: ۸۱/۵). البته دیدگاه مخالفی را نیز مالکیه بیان کرده‌اند که پذیرش رجوع مرتکب از اقرار به عنوان نظریه راجح است (جزیری، ۱۴۲۴: ۸۱/۵). در این زمینه تحلیل برخی از فقهای امامیه آن است که اگر کسی به جرم مستوجب رجم اقرار کند و سپس پیش از اجرای حد، منکر آن شود، بدون تحمل هر گونه مجازات حدی یا تعزیری، رها می‌شود (طوسی، بی‌تا: ۷۰۳؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۲۸/۲).

حلی نیز معتقد است کسی که به حدی اقرار کند و بعد منکر آن شود به انکارش توجهی نمی‌شود، مگر آنکه این اقرار و سپس انکارش در خصوص رجم باشد که در چنین صورتی امام «حاکم» باید او را بلافاصله پس از انکار اقرار خویش، رها کند (حلی، ۱۴۱۰: ۴۵۵/۳).

ب. مستندات دیدگاه؛ دیدگاه یادشده از رویکرد اهل سنت، مستند است به روایت صحیح‌ابی‌داود به نقل از نعیم بن مسعود الأشجعی و ابوهریره به نقل از پیامبر اکرم (ص) که در این روایت آمده است به هنگام سنگسارکردن ماعز، او از محل اجرای رجم که کم‌سنگ بود گریخت و برخی از رجم‌کنندگان که به دنبالش بودند وی را در مکانی پُرسنگ گرفتار کردند و با سنگ زدند تا مرد. پس از آنکه پیامبر اکرم (ص) از موضوع آگاهی یافت، فرمود: «پاک و منزّه است خدا! چرا پس از فرار او را رها نکردید؟» (نوی، بی‌تا: ۳۰۲/۲۰-۳۰۳؛ بصری، ۱۴۱۴: ۲۱۲/۱۳؛ ابن‌نجیم مصری، ۱۴۱۸: ۱۲/۵؛ حدادی، ۱۳۲۲: ۲۹/۱؛ ابن‌قدامة مقدسی جماعلی، بی‌تا: ۲۹۹/۵؛ ابن‌قدامة، بی‌تا: ۱۷۳-۴/۱۰؛ حجاوی مقدسی، بی‌تا: ۴۶۹/۴؛ ابن‌قدامة مقدسی، ۱۴۰۵: ۲۸۸/۵). از رویکرد فقه امامیه، دیدگاه یادشده مستند است به دو روایت مرسله جمیل بن دراج به نقل از امام باقر یا امام صادق (ع). در این روایات آمده است که چهار بار اقرار به زنا از سوی شخصی که در شرایط احصان است موجب سنگسار وی می‌شود تا بمیرد، مگر آنکه پیش از اجرای رجم منکر اقرارش شود که در این صورت از مجازات رجم رها می‌شود؛ و بنا به روایت دیگر چنانچه شخصی بدون وجود شاهد، علیه خود، به جرمی اقرار کند که مجازاتش قتل است و سپس با گفتن اینکه من این کار را نکرده‌ام منکر اقرارش شود، از مجازات مرگ رهایی می‌یابد (بروجردی، ۱۳۷۳: ۳۲۲/۲۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۸؛ ترابی شهرضایی، ۱۳۹۰: ۲۹۵/۱؛ کلینی، ۱۳۶۷: ۲۱۹/۷). برخی در نقد این دیدگاه، تحلیل کرده‌اند که شاید مقصود از عبارت «رها می‌گردد» در روایت یادشده آن است که مرتکب رجم نمی‌شود، نه اینکه به طور کلی بدون هیچ کیفری رها می‌شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۳۰۷/۱).

۱. ۲. جایگزینی شلاق حدی به جای رجم ساقط‌شده

الف. بیان دیدگاه؛ نقطه اتکای این دیدگاه بر جایگزینی مجازات رجم با شلاق حدی است که به مشهور فقهای امامیه نسبت داده شده است. بر این اساس، چنانچه

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقرار بر موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی / ۵۷

مرتکب، اقرار به جرمی کند که مجازاتش رجم است و سپس منکر آن شود به جای رجم، تازیانه حدی به او زده می‌شود (حلی، ۱۴۰۵: ۵۵۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۸/۷). برخی هم زدن شلاق حدی بر منکر اقرار به جرم رجم را بهتر از رهاکردن او بدون تحمیل مجازات برشمرده‌اند (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۱۷۲/۱).

ب. **مستندات دیدگاه؛** از مستندات این دیدگاه، دو روایت نزدیک به هم حلبی به نقل از امام صادق (ع) است. در این روایات آمده است که از امام صادق (ع) پرسیدند: «چنانچه شخصی علیه خود به ارتکاب جرم موجب رجم اقرار کند و سپس منکر آن شود، رجم می‌شود؟». فرمود: «خیر، اما او را حد می‌زنم»؛ و در روایت دیگر او، که نزدیک به روایت نخست است، آمده است که امام (ع) در پاسخ به همان پرسش می‌فرماید او را شلاق می‌زنم (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۴۰/۲۳؛ هندی، ۱۴۰۵: ۲۹۵/۲). دیگر مستند این دیدگاه، روایتی است منقول از امام صادق (ع) که فرمود: «چنانچه متهم از اقرار خود به حد رجم، برگردد، به جای رجم، حد زده می‌شود و سپس رها می‌گردد» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۴۵۳/۲). در این زمینه تحلیل برخی بر آن است که اگرچه ظاهر روایات بر ثبوت جلد به عنوان شلاق حدی دلالت دارد، اما به نظر می‌رسد منظور از حد، تعزیر باشد (منتظری، بی‌تا: ۴۱).

۱. ۱. ۳. جایگزینی شلاق تعزیری به جای رجم ساقط‌شده

الف. **بیان دیدگاه؛** در این دیدگاه که متکی بر روایات ناظر به اجتماع حد «رجم» و «جلد» برای شیخ و شیخه در شرایط احصان است، نظر صائب این است که انکار اقرار از سوی آنان، فقط موجب سقوط رجم می‌شود و حد جلد همچنان در حقشان اجرا خواهد شد (عاملی، ۱۴۱۲: ۳۶۰-۳۶۱/۲؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۳۰۸/۱). در این زمینه برخی با تفصیل میان روایات یادشده معتقدند چنانچه جمع میان مجازات «رجم» و «جلد» را برای زنای شیخ و شیخه در شرایط احصان بپذیریم، در این صورت مقصود از عبارت «ضارب الحد» در روایت حلبی، صد ضربه شلاق حدی است و در غیر این صورت مرتکب به دلیل رفتار و دروغ خویش (اقرار و سپس انکار آن) شایسته تحمل تعزیر است (منتظری، بی‌تا: ۴۹). از مفهوم مخالف این دیدگاه چنین برمی‌آید که انکار اقرار موجب رجم از سوی جوانان در شرایط

احصان، به طور مطلق موجب سقوط حد از آنها می‌شود، اما لازم می‌آید به جهت اقرار تام انکارشده، آنها را تعزیر کرد.

ب. مستندات دیدگاه؛ مستندات این دیدگاه، تفصیل برآمده از جمع میان روایات ذکرشده در قسمت مستندات دو گروه پیشین به شرح زیر است:

- روایات مرسله جمیل بن دراج به نقل از امام باقر یا امام صادق (ع)، درباره سقوط مطلق حد از کسی که در شرایط احصان، پس از چهار بار اقرار به زنا، آن را انکار کند، که شرح آن در ذیل دیدگاه نخست بررسی شد.

- روایات حلبی به نقل از امام صادق (ع) درباره اینکه اگر شخصی علیه خود به ارتکاب جرم موجب «رجم» اقرار کند و سپس منکر آن شود، رجم نمی‌شود اما شلاق حدی زده می‌شود و در روایت دوم، فقط آمده است که شلاق زده می‌شود. شرح روایات در ذیل دیدگاه دوم بررسی شد.

۱. ۲. دیدگاه‌های موجود درباره انکار اقرار موجب حد قتل

در فقه اسلامی، کیفر حد قتل، برای ارتکاب زنا با محارم (مادر، خواهر، دختر خویش، دختر برادر و خواهر، عمه، خاله) زنا با زن پدر، زنای غیرمسلمان با زن مسلمان و به طور مطلق زنای به عنف و اکراه، تشریع شده است. البته به اینها زنای از روی فریب و اغفال دختر نابالغ و زنای از طریق ربایش، تهدید و ترساندن زن و زنای در حال بیهوشی و مستی با زن ناراضی به انجام دادن این کار، نیز افزوده می‌شود (غروی و مازح، ۱۴۱۹: ۱۴۲/۵ به بعد؛ حلی، بی تا: ۳۱۶/۵؛ عاملی، ۱۴۱۲: ۳۵۲/۲).

اما درباره اینکه از نظر فقه اسلامی انکار پس از اقرار به هر یک از اعمال منافی عفت یادشده، همانند انکار اقرار به زنای موجب رجم، حد «قتل» را منتفی می‌کند یا خیر، دیدگاه‌های متفاوتی به شرح زیر به دست می‌آید:

۱. ۲. ۱. عدم اسقاط حد قتل با انکار اقرار

الف. بیان دیدگاه؛ از نگاه پیروان این دیدگاه، تأثیر یکسان قائل شدن به انکار اقرار به حد «رجم» و «قتل» از حیث سقوط مجازات، دشوار است (حلی، ۱۴۱۳: ۵۲۳/۳). تحلیل برخی در تأیید این اشکال (الحاق آثار انکار اقرار به رجم، به حد «قتل») آن است که

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقرار بر موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی / ۵۹

گذشته از ابتدای حدود بر تخفیف و مبالغه فراوان شارع مقدس در حفظ خون مسلمانان، منشأ چنین اشکالی، از یک سو مشارکت حد «قتل» و «رجم» در وجود مقتضی، یعنی انکار است و از سوی دیگر با عنایت به ممنوعیت قیاس در فقه امامیه، نبود دلیل بر چنین الحاقی است (حلی، ۱۳۸۷: ۴۷۳/۴؛ حلی، ۱۴۰۸: ۱۳۹/۴). برخی دیگر در راستای تأیید این دیدگاه و نقد دیدگاه موافقان اسقاط حد قتل ناشی از انکار اقرار، تحلیل کرده‌اند که گرچه نجفی (صاحب‌جوهر) با استناد به روایت مرسله جمیل بن دراج معتقد است الحاق حد «قتل» به «رجم» خالی از قوت نیست، اما مدلول روایت استنادی فقط ناظر به انکار اقرار موجب رجم است، نه حدود دیگر. از سوی دیگر، استناد به عمل مشهور هم برای پوشاندن ضعف سند روایت، پذیرفتنی نیست؛ چراکه فتوای مشهور مبنی بر الحاق حد «قتل» به «رجم»، ثابت نشده است. از این رو دست‌کشیدن از اطلاق روایت صحیح محمد بن مسلم، دال بر قتل مرتکب، درست به نظر نمی‌رسد (تبریزی، ۱۴۱۷: ۷۰-۷۱). بر اساس این دیدگاه، پذیرش تأثیر انکار پس از اقرار به زنا موجب رجم، خلاف اصل (اعتبار اقرار) است، پس باید به قدر متیقن بسنده کرد و آن را به انکار اقرار موجب «قتل» تسری نداد؛ زیرا پذیرش چنین رویکردی از یک سو با دشواری نبود نص و از سوی دیگر ممنوعیت قیاس روبه‌رو است. بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که انکار پس از اقرار به حد «قتل»، موجب سقوط چنین حدی می‌شود.

ب. مستندات نظریه؛ تنها مستند روایی دیدگاه عدم الحاق حد «قتل» به «رجم»، صحیح محمد بن مسلم به نقل از امام صادق (ع) است که انکار پس از اقرار در غیر رجم را بی‌تأثیر می‌داند: «هر کس اقرار به جرم حدی نماید که مجازاتش غیر از رجم باشد و سپس منکر آن گردد، آن مجازات حدی را بر او جاری خواهم ساخت» (کلینی، ۱۳۶۷: ۲۲۰/۷). افزون بر روایت یادشده، نبود نص قوی و موثقی که دلالت بر الحاق حد «قتل» به «رجم» کند و نیز ممنوعیت قیاس میان مشابَهت در نتیجه اجرای این دو مجازات حدی (مرگ)، از دیگر مستندات اساسی مانع پذیرش چنین الحاقی بر شمرده شده است.

۱. ۲. ۲. اسقاط مطلق حد قتل با انکار اقرار

الف. بیان دیدگاه؛ این دیدگاه به آرای فقه اهل سنت اختصاص دارد که مطابق آن انکار اقرار موجب حد قتل از سوی متهم، همچنان مشمول دیدگاه غالب بازگشت از

اقرار به کلیه حدود حق الاهی است و به دلیل حدوث شبهه ناشی از انکار اقرار، حد یادشده نیز مانند دیگر حدود الاهی ساقط می شود (نووی، بی تا: ۳۰۲/۲۰-۳۰۳؛ بصری، ۱۴۱۴: ۲۱۲/۱۳؛ ابن نجیم مصری، ۱۴۱۸: ۱۲/۵؛ حدادی، ۱۳۲۲: ۲۹/۱؛ ابن قدامه مقدسی جماعلی، بی تا: ۲۹۹/۵؛ ابن قدامه، بی تا: ۱۷۳/۱۰-۱۷۴؛ حجاوی مقدسی، بی تا: ۴۶۹/۴؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵: ۲۸۸/۵).

ب. **مستندات نظریه؛** مستندات این دیدگاه، یکی قاعده درء به نقل از پیامبر اکرم (ص) است که به موجب آن رجوع از اقرار به هر گونه مجازات حدی پذیرفته می شود و دیگری سیره رفتاری ایشان با ماعز است که هر بار او اقرار به زنا می کرد، پیامبر اکرم (ص) از وی روی برمی گرداند، به امید آنکه او دست از اقرار بردارد. پیامبر (ص) پس از هر بار اقرار ماعز به زنا، از یاران خود درباره سلامت عقل، اشتباه و توهّم او می پرسید و پاسخ منفی دریافت می کرد (سید سابق، ۱۳۹۱: ۴۲۳/۳؛ عوده، بی تا: ۳۱۴/۲؛ جزیری، ۱۴۲۴: ۸۰/۵؛ جزیری و دیگران، ۱۴۱۹: ۱۲۸/۵).

۱. ۲. ۳. الحاق حد قتل به رجم از حیث آثار انکار اقرار

الف. **بیان دیدگاه؛** پیروان این دیدگاه با ارائه تفصیل معتقدند هر چند صاحب قواعده (حلی، ۱۴۱۳) در الحاق حد «قتل» به «رجم»، به دلیل خروج از حکم (سقوط مجازات حد ناشی از انکار اقرار) مردد است و همچنین در ظاهر، جرائم حدی موجب «قتل»، به لحاظ حکم، عبارت و مانند اینها، در شمول اطلاق حکم عدم سقوط مجازات های حدی غیر رجم است، با این همه شاید بهتر آن باشد که با عنایت به احتیاط کامل شارع مقدس در حفظ خون مسلمانان و بنای ایشان بر تخفیف در حدود و نیز مطابق نظر ابن حمزه طوسی و همچنین اختصاص نداشتن سقوط حد به رجم، حد «قتل» را به «رجم» ملحق کرد؛ زیرا در روایات مرسله که به اعتبار وجود ابن ابی عمیر و جمیل بن دراج، دو تن از افراد اصحاب اجماع در سلسله سند، اعتبار روایت صحیحه را یافته اند، به نقل از معصوم (ع) آمده است: «در مواردی که شاهد وجود ندارد و اقرار شخص علیه خودش، موجب اجرای حد «قتل» است، چنانچه شخص اقرار خویش را انکار کند، حد «قتل» از او ساقط می گردد». از این رو، با تکیه بر فحواي این روایت می توان حد قتل را به حد رجم از حیث سقوط مجازات ناشی از انکار اقرار، ملحق کرد

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی / ۶۱

(طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۴۵۷/۱۵-۴۵۸). برخی دیگر در مقام تأیید این دیدگاه تحلیل کرده‌اند که گرچه گروهی الحاق حد «قتل» به «رجم» از حیث سقوط مجازات را دشوار دانسته‌اند و نیز ظاهر روایت وارد شده ناظر به الحاق حد «قتل» به «رجم» نیست، با این همه از نگاه آنان، فحوای روایت وارد شده بیانگر سقوط حد قتل غیر از رجم است و در نتیجه چنین الحاقی با عنایت به اقتضای احتیاط شارع مقدس در خون مسلمانان و همچنین بنای او بر تخفیف در حدود، خالی از قوت نیست (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۹۲/۴۱). در این زمینه تحلیل بی‌تفصیل برخی دیگر این است که اگر شخصی چهار بار به جرم حدی اقرار کند و پس از آن اقرار خود را انکار کند، فقط مجازات «مرگ حدی» از او برداشته می‌شود (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۴۱۰).

ب. مستندات دیدگاه؛ مستندات این دیدگاه روایات مرسله ابن‌ابی‌عمیر و جمیل بن دراج به نقل از امام باقر یا امام صادق (ع) است که شرح آنها پیش‌تر در قسمت مستندات قائلان به رهاکردن منکر اقرار، بدون اعمال مجازات، گذشت. افزون بر این، پاسخ برخی در ایراد به ضعف مرسله بودن سند روایت، آن است که روایات مرسله ابن‌دراج که فردی شناخته شده است، همانند مراسلات ابن‌ابی‌عمیر در حکم مسانید است. از سوی دیگر، در سلسله روات قرار داشتن این دو نفر (ابن‌ابی‌عمیر و جمیل بن دراج) به عنوان اصحاب اجماع، ضعف سند را جبران می‌کند و حتی به فرض دلیل‌نشمردن آن، کمینه می‌تواند مؤید موضوع بحث باشد (منتظری، بی‌تا: ۵۰؛ شوشتری، ۱۴۱۹: ۶۹/۱۱؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۳۰۹/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۷۶).

۳.۱. ارزیابی و تحلیل دیدگاه‌ها

پس از روشن شدن رویکرد فقهی مذاهب اسلامی و دلایل آنها راجع به انکار اقرار موجب «رجم» و «قتل» در جرائم حق‌الاهی، اینک برای دستیابی به نتیجه مطلوب چند نکته شایان ذکر است:

نخست؛ روایت مستند دیدگاه اهل سنت در قضیه ماعز، ناظر به زنای موجب «رجم» است. از این رو تسری آن در همه جرائم موجب حد از سوی مذاهب اهل سنت، موجب تعمیم اکثر می‌شود که این خلاف احتیاط است.

دوم؛ چنین دیدگاهی، خلاف اصل و قاعده کلی پذیرش اعتبار اقرار غفلاً علیه خویش به شمار می‌رود.

سوم؛ بر اساس سیره پیامبر اکرم (ص) در قضیه ماعز که استثنایی خلاف اصل به شمار می‌رود و نیز بر پایه عرف غفلاً، لازم می‌آید در فروض خلاف قاعده، به قدر متیقن بسنده کنیم. بنابراین، نمی‌توان برای انکار اقرار تحقیق‌یافته از سوی مرتکب چنان اثر گسترده‌ای قائل شد که نتیجه‌اش پذیرش دیدگاه اکثر مذاهب اهل سنت و نظریه نخست فقهای امامیه، ناظر به رهاکردن مرتکب بدون هیچ تنبیهی باشد؛ زیرا چنین واکنشی با رفتار و دروغ مرتکب (اقرار و سپس انکار آن) همخوانی ندارد و برای جلوگیری از تجری مرتکبان احتمالی ناکافی است.

چهارم؛ دیدگاه ظاهریه و افرادی همچون حسن بصری، ابن‌ابی‌لیلی، سعید بن جبیر و عثمان البتی، مبنی بر نپذیرفتن رجوع مرتکب از اقرار تحت هر شرایطی، به استناد اصل بی‌تأثیری انکار پس از اقرار، به دلیل بی‌توجهی به دستور شارع، به‌ویژه احتیاط تام در خون مسلمانان، مانند قاعده درء «الحدودُ تدرأ بالشبهات»، فاقد تحلیل شرعی و عقلائی است.

پنجم؛ دیدگاه برخی فقهای امامیه مبنی بر تبدیل حد «رجم» و «قتل» به حد «جلد»، اگرچه به‌ظاهر به نفع بزه‌کار می‌نماید، اما با رویکرد شارع مقدس و حکمت اصطلاحی مجازات و کلیت قاعده درء همخوانی ندارد؛ زیرا در مقام اعمال تخفیف مجازات مرتکب، بنا بر مقاصد شرعی، لازم می‌آید ماهیت مجازات نخستین از «حد» به مجازات «تعزیری» به عنوان مجازات جایگزین تغییر یابد.

ششم؛ بر اساس توضیحات بندهای پیشین، دیدگاه ناظر به سقوط حد در اثر انکار اقرار به جرائم موجب «رجم» و «قتل» و جایگزین کردن مجازات تعزیری به جای حدود ساقط‌شده، نه‌تنها با مقصود شارع، بلکه با عقل و انصاف نیز سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا در یکی از روایات حلبی، امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش وی که «اگر شخصی علیه خویش به جرمی که مجازاتش رجم است، اقرار، و سپس آن را انکار کند، آیا او را رجم می‌کنید؟»، فرمود: «خیر. لکن او را شلاق می‌زنم». پس بنا بر مفاد روایات، سقوط رجم حتمی است. اما نمی‌توان از جمع روایات یادشده، به ثبوت حد «جلد» به جای «رجم» قائل شد.

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی / ۶۳

نظر برخی از متقدمان (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۳۹/۲۳) و معاصران: بهجت، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی و سبحانی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضاء، ۱۳۹۰، به ترتیب استفتائات شماره ۳۰۱ و ۸۲۰۰) و نیز رویه قضایی (دادگستری، ۱۳۶۵: ۳/۳۵ و ۱۷)، مؤید این دیدگاه است. از این‌رو، ضروری است در این زمینه به قدر متیقن بسنده کرد و به جایگزین کردن مجازات شلاق تعزیری «نه حدی» به جای رجم ساقط‌شده به واسطه انکار مقرر قائل شد؛ زیرا چنین رویکردی با روح شریعت و کلیت قاعده درء سازگارتر است.

۲. دیدگاه قانون‌گذار درباره تأثیر انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون‌گذار در راستای عمل به الزام ناشی از اصل ۴ قانون اساسی مبنی بر هماهنگ‌شدن کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی و حکومت این اصل بر اطلاق و عموم همه اصول قانون اساسی و تمام قوانین و مقررات، اقدام به اسلامی‌سازی قوانین، از جمله قانون مجازات، کرد. با توجه به سوابق تقنینی در پیروی از موازین فقه اسلامی که در ادامه بحث می‌شود، تأثیر انکار اقرار به عنوان امری خلاف اصل را، قانون‌گذار فقط در جرائم مستوجب «رجم» و «قتل» پذیرفته است.

به استناد ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی، «رجم» کیفر مرتکبانی است که در شرایط احصان مرتکب زنا می‌شوند و به استناد مواد ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۶۲، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۸۶ و ۲۸۷ همین قانون، قتل نیز کیفری است برای ارتکاب زنا با محارم (مادر، خواهر، دختر خویش، دختر برادر، عمه، خاله)، زنا با زن پدر، زنا غیرمسلمان با زن مسلمان، زنا از روی عنف و اکراه به طور مطلق، زنا از روی فریب و اغفال با دختر نابالغ، زنا از طریق ربایش، تهدید و ترساندن زن، زنا در حال بیهوشی و مستی با زن ناراضی به انجام‌دادن این کار، فاعل لواط از روی عنف و اکراه یا داشتن شرایط احسان یا لواط غیرمسلمان با مفعول مسلمان و به طور مطلق مفعول لواط در غیر از حالت عنف و اکراه، تفخیز غیرمسلمان با مفعول مسلمان، دشنام یا قذف معصومان (ع)، سرقت حدی در بار چهارم، محاربه، افساد فی الارض و جرم بغی. بر این اساس، قانون‌گذار نخستین بار در ماده ۸۸ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ درباره موضوع محل بحث مقرر

کرد: «هر گاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید، حد ساقط نمی‌شود، مگر آنکه اقرار به زنا بی کند که موجب رجم یا قتل باشد و سپس انکار نماید که در این صورت حد «رجم» و «قتل» ساقط می‌شود».

همان‌گونه که از مفاد این ماده برمی‌آید، تمرکز قانون‌گذار بر سقوط حد «رجم» و «قتل» در اثر انکار پس از اقرار است و اشاره‌ای به مجازات جایگزین حدود ساقط‌شده نکرده است. پس از آن در رویکردی مشابه و نزدیک در ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر کرد: «هر گاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید، در صورتی که اقرار به زنا بی باشد که موجب قتل یا رجم است، با انکار بعدی حد «رجم» و «قتل» ساقط می‌شود، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی‌شود». مفاد این مقرر نیز با شفافیت تمام، تأثیر انکار در اسقاط حد را فقط محدود به اقرار مربوط به زنا موجب «رجم» و «قتل» کرده و هیچ اشاره‌ای به مجازات جایگزین حدود ساقط‌شده نکرده است. سپس قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ خوانش نویی از این مقرر، در قالب ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی، به این شرح داده است: «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست، به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن موجب رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجرا، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد». در این مقرر قانون‌گذار، موضوع سقوط مجازات حدی «رجم» و «قتل» ناشی از انکار اقرار را برخلاف سابقه تقنینی، به شکل قاعده‌ای کلی و نهادینه بیان کرده است. اما ایراد این رویکرد، پیروی ناقص آن از موازین فقهی است، به گونه‌ای که از حیث تشریع هماهنگی به طور کامل دیده می‌شود، اما از حیث تعیین واکنش، هماهنگی لازم دیده نمی‌شود؛ زیرا قانون‌گذار شلاق حدی را جایگزین سقوط رجم کرده و حبس تعزیری درجه پنج را جایگزین سقوط قتل کرده است، که در ادامه این دوگانگی موجود در تعیین واکنش بررسی می‌شود.

۲. ۱. واکاوی دیدگاه قانون‌گذار

نخست؛ قانون‌گذار در آخرین اراده تقنینی خود، یعنی ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قاعده‌ای کلی به شرحی که گذشت، مطرح کرده است. در این

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی / ۶۵

قاعده کلی، قانون‌گذار با بهره‌گیری از روش الغای خصوصیت، به دلیل اشتراک حدود موجب «قتل» در معنا و نتیجه و نیز وحدت ملاک گرفتن برای سقوط مجازات حدی این دسته از جرائم، دامنه تأثیر انکار اقرار را به همه جرائم حدی موجب «قتل» گسترش داده است. مؤید آن نظریه شماره ۷/۹۲/۹۵۲-۱۳۹۲/۵/۲۶، اداره کل حقوقی قوه قضاییه است. از این گذشته، با به‌کاربردن عبارت «در هر مرحله ولو در حین اجرا»، تأثیر مطلق برای انکار پس از اقرار در نظر گرفته است.

دوم؛ بی‌مجازات‌نگذاشتن مرتکب به دلیل اقرار به گناه علیه خویش و سپس تکذیب آن، رویکرد مناسبی برای جلوگیری از تجری افراد و پیش‌گیری از جرائم احتمالی است که قانون‌گذار برای دستیابی به این مقصود، از دومین دیدگاه فقهی امامیه (جایگزینی «شلاق حدی» به جای «رجم» ساقط‌شده) پیروی کرده است. اما در ادامه و در مقام اثربخشی به انکار اقرار به جرم موجب حد «قتل» که از حیث نتیجه (مرگ) با رجم یکسان است، با بهره‌گیری از روشی دوگانه، مجازات حبس تعزیری درجه پنج (حبس بیش از دو تا پنج سال) را به جای حد قتل ساقط‌شده، در نظر گرفته است که دستاورد این رویکرد بی‌پشتوانه و دوگانه، به طور قطع ناکامی قانون‌گذار از دستیابی به اهداف مترتب بر چنین تقنینی خواهد بود.

سوم؛ شایسته آن بود که قانون‌گذار برای توجیه گسترش و تعمیم استثنای شارع به دیگر جرائم حدی موجب «قتل»، بر مبنای الغای خصوصیت و اشتراک حدود موجب «قتل» در معنا و نتیجه، به هنگام تعیین واکنش برای منکران اقرار به جرائم یادشده نیز، بر همین مبنای هماهنگ با مقاصد شارع (اعمال لطف، امتنان و تخفیف در حق چنین مرتکبان) رفتار می‌کرد و رویکردی یکسان، یعنی تعیین مجازات تعزیری برای انکار اقرار به «رجم» و «قتل»، را در پرتو کلیت قاعده درء تعیین می‌کرد.

چهارم؛ قانون‌گذار بدان جهت که از جمع مفاد دو روایت مروی حلبی از امام صادق (ع) به طور حتم، سقوط رجم به دست می‌آید، کوشیده است برای همسوکردن دیدگاه خود با مقصود شارع (احتیاط تام در خون مسلمانان و اعمال تخفیف و دفع حد به واسطه پیدایش شبهه، در تشریع کیفرهای شدید حدی «رجم و قتل»)، رویکردی سازگار با عقل و انصاف در پیش گیرد. اما در تعیین واکنش برای جرائم یادشده بدان

جهت که از جمع روایات پیشین، به طور حتم ثبوت حد جلد به جای رجم و قتل به دست نمی‌آید، رویکردی دوگانه در پیش گرفته است که از این حیث، دوگانگی رویکرد قانون‌گذار با مقصود شارع و عقل و انصاف هماهنگی ندارد.

پنجم؛ اگر منطق قانون‌گذار در تشریع جرائم حدی موجب «رجم» و «قتل»، الغای خصوصیت و اشتراک حدود یادشده در معنا و نتیجه بوده باشد، لازم می‌آید در تعیین واکنش نیز از مبنایی واحد، یعنی همان مجازات تعزیری که نزدیک‌تر با مقصود شارع مقدس و سازگارتر با عقل و انصاف است، بهره می‌گرفت؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، لازم است در مقام اعمال تخفیف بر مبنای حکمت اصطلاحی مجازات در موضوع محل بحث (تأثیر انکار اقرار به جرم موجب «رجم» یا «قتل»)، مجازات نخستین که مجازاتی حدی است، ساقط شود. اما چون بدون مجازات ماندن متهم در چنین فرضی به صلاح او و جامعه نیست، مقتضی است مجازاتی تعزیری در حق او اعمال شود تا به هدف اصلاحی مترتب بر مجازات‌ها نیز دست یابیم. از سوی دیگر، پذیرش رویکرد جایگزین کردن صد ضربه شلاق حدی به جای مجازات ساقط‌شده «رجم» که نتیجه‌اش سلب حیات است، اگرچه به مراتب مجازاتی مناسب‌تر به حال متهم می‌نماید اما با کلیت قاعده درء، که از تأسیسات کارآمد شارع مقدس است و نتیجه‌اش برداشتن مجازات حدی از مرتکب است، سازگاری ندارد. بر این اساس، لازم است در مقام اعمال تخفیف ناشی از انکار اقرار این دسته از جرائم، ماهیت هر دو مجازات «رجم» و «قتل» از حد به تعزیر کاهش یابد.

نتیجه

قانون‌گذار در آخرین اراده تقنینی‌اش کوشیده است دیدگاه خود را درباره رجوع از اقرار حدی موجب «رجم» و «قتل» با موازین فقهی، به‌ویژه ابتدای تشریع مجازات‌های شدید حدی بر تخفیف و مبالغه و احتیاط کامل شارع مقدس برای حفظ خون مسلمانان سازگار کند، که از این حیث، اتخاذ چنین رویکرد جسورانه‌ای در خور تقدیر است. از سوی دیگر، بدون مجازات نگذاشتن مرتکبانی که اقرار معتبر خود درباره جرائم یادشده را انکار می‌کنند، رویکردی درست و هماهنگ با ملاحظات تأدیبی اربابی،

شارع مقدس و دیدگاه‌های پیش‌گیرانه علوم کیفری است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون این رویکرد در قالب رویه قضایی، سابقه تقنینی را همراهی کرده است. سیاست تقنینی اخیر قانون‌گذار برای پوشاندن خلأی که با رویه قضایی جبران می‌شد، نوع واکنش به منکران اقراریر جرائم پیش‌گفته را به طور دوگانه و بدون وجاهت در ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تشریع کرده است. دوگانگی موجود در رویکرد اخیر قانون‌گذار نه تنها پذیرفتنی نیست، بلکه فاقد وجاهت است؛ چراکه قانون‌گذار در این مقرر قانونی، تأثیر انکار اقرار به جرم زنای موجب «رجم» را تا تبدیل‌شدن رجیم به شلاق حدی پذیرفته است. در حالی که تأثیر انکار اقرار به جرائم حدی موجب «قتل» را تا تبدیل‌شدن قتل به مجازات تعزیری حبس درجه پنج تشریع کرده است. بر این اساس، اتخاذ چنین سیاست تقنینی پرسش‌برانگیزی (حد «قتل» را از حیث تأثیر انکار اقرار به آن در حکم حد «رجم» قراردادن)، مغایر با شیوه الغای خصوصیت و اشتراک‌گیری نسبت به این دو دسته از جرائم در معنا و فرجام است. از این‌رو، وقتی جرمی در حکم جرم پایه قرار می‌گیرد، لازمه‌اش ترتب تمامی آثار و احکام جرم پایه بر جرمی است که به آن ملحق شده است، که در سیاست قانون‌گذار این رویه مشهود نیست. بنابراین، شایسته است قانون‌گذار با اصلاح مسئله ایجاد کرده در نوآوری تقنینی خود، سیاست جسورانه و درخور ستایش‌اش را بازنگری و کامل کند، به گونه‌ای که برای اثربخشی به انکار اقراریر تحقق‌یافته در هر دو دسته از جرائم حدی موجب «رجم» و «قتل»، واکنشی تعزیری تعیین کند، تا سیاست تقنینی اشاره‌شده با روح و مقاصد شریعت و نیز عقل و انصاف سازگاری یابد.

منابع

- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸). *الوسيلة*، قم: منشورات دفتر آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.
- ابن قدامه مقدسی جماعیلی، عبد الرحمن بن محمد (بی تا). *الشرح الكبير على متن المقنع*، دمشق - قاهره: دار الكتاب العربی للنشر والتوزيع.
- ابن قدامه مقدسی، أبو محمد عبد الله بن أحمد (۱۴۰۵). *المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی*، بیروت: دار الفكر، الطبعة الأولى.
- ابن قدامه، عبد الله (بی تا). *المغنی*، بیروت: دار الكتاب العربی للنشر والتوزيع.
- ابن نجیم مصری، زین الدین بن إبراهيم (۱۴۱۸). *البحر الرائق*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- اکرمی، روح الله (۱۴۰۰). «رجوع از اقرار کیفری»، در: *تحقیقات حقوقی*، ش ۹۴، ص ۱۶۵-۱۸۸.
- بروجردی، سید حسین (۱۳۷۳). *جامع أحادیث الشيعة فی أحكام الشريعة*، قم: نشر صحف.
- بصری (الماوردی)، أبو الحسن علی بن محمد (۱۴۱۴). *الحاوی فی فقه الشافعی*، بیروت: الطبعة الأولى، دار الکتب العلمیة.
- تبریزی، میرزا جواد (۱۴۱۷). *أسس الحدود والتعزیرات*، قم: دفتر انتشارات معظم له، چاپ اول.
- ترابی شهرضایی، اکبر (۱۳۹۰). *آیین کیفری/اسلام*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). *دعائم الاسلام*، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی / ۶۹

توکل‌نیا، امید (۱۳۹۵). «انکار بعد از اقرار در حدود تأملی در ماده ۱۷۳ قانون جدید مجازات اسلامی»، در: *فقه اهل بیت*، ش ۸۵-۸۶، ص ۲۳۹-۲۷۳.

جزیری، عبد الرحمن (۱۴۲۴). *الفقه على المذاهب الاربعة*، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة الثانية.

جزیری عبد الرحمن؛ غروی، محمد؛ مازج، یاسر (۱۴۱۹). *کتاب الفقه على المذاهب الاربعة و مذهب اهل البيت (ع)*، بیروت: منشورات دار الثقین، چاپ اول.

حجاوی مقدسی ثم الصالحی، موسی بن أحمد (بی‌تا). *الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل*، بیروت: دار المعرفة.

حدادی العبادی، أبو بکر بن علی بن محمد (۱۳۲۲). *الجوهرة النيرة*، مصر: المطبعة الخيرية، الطبعة الأولى.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.

حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

حلی، أبی جعفر محمد بن منصور (۱۴۱۰). *کتاب السرائر*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الاولى.

حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *تحریر الأحکام الشرعیة على مذهب الإمامیه (ط- القديمة)*، مشهد: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.

حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.

حلی، نجیب الدین یحیی بن سعید (۱۴۰۵). *الجامع للشرائع*، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیة، (نرم‌افزار).

۷۰ / مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، سال دوم، شماره سوم

خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، تهران: مکتبه الصدوق، الطبعة الثانية.

دادگستری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۵). *پاسخ و سؤالات از کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی*، تهران: روزنامه رسمی.

دانش نهاد، محمد؛ بهمن پوری، عبدالله (۱۳۹۹). «انکار پس از اقرار در حدود با تأکید بر نقش آن در سرقت و جلد، در فقه و حقوق موضوعه»، در: *مصباح الفقاهة*، ش ۵، ص ۶۱-۷۶.

سید سابق، محمد التهامی (۱۳۹۱). *فقه السنة*، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبعة الاولى.

شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۹). *النجعة فی شرح اللمعة*، قم: مکتبه الصدوق.

طباطبایی حائری، سید علی (۱۴۱۸). *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بدلائل*، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث، الطبعة الاولى.

طرابلسی، عبد العزيز بن البرّاج (۱۴۰۶). *المهذب*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (بی تا). *النهاية فی مجرد الفقه والفتاوى*، قم: قدس.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۲). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.

عوده، عبد القادر (بی تا). *التشريع الجنائي الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی*، بیروت: دار الكاتب العزلی.

غروی، سید محمد؛ مازح، شیخ یاسر (۱۴۱۹). *كتاب الفقه على المذاهب الاربعة و مذهب اهل البيت*، بیروت: منشورات دار الثقلین، الطبعة الاولى، ج ۵.

القرافی المالکی، أحمد بن إدريس (۱۹۹۴). *الذخيرة*، بیروت: دار الغرب الإسلامی، الطبعة الأولى.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *الكافی فی الفقه*، طهران: دار الكتب الإسلامیة، چاپ سوم.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). *مرآة العقول*، تهران: دار الكتب الإسلامیة، الطبعة الثانية.

واکاوی دوگانگی رویکرد قانون‌گذار در انکار اقرار موجب حد «رجم» و «قتل» از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی / ۷۱

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *انوار الفقاهة: کتاب الحدود والتعزیرات*، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع)، الطبعة الاولى.

منتظری، حسین علی (بی‌تا). *کتاب الحدود*، قم: دار الفکر.

موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲). *الدر المنضود فی أحكام الحدود*، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول.

موسوی اردبیلی، عبد الکریم (۱۴۲۷). *فقه الحدود والتعزیرات*، قم: مؤسسة النشر لجامعة المفید، الطبعة الثانية.

مؤسسة آموزشی و پژوهشی قضا (۱۳۹۰). *نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی*، نسخه دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا.

نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة السابعة.

نووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف (بی‌تا). *المجموع شرح المہذب*، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

هندی، فاضل (۱۴۰۵). *کشف الثام (ط.ق)*، قم: منشورات مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.